

بررسی و تحلیل جرم سرقت در نظام کیفری ایران

با نگاهی به تبعات سوء آن در جامعه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۳)

رضا سیار

چکیده

سرقت از مهم ترین جرایم علیه اموال و مالکیت در نظام حقوقی ایران است که افزون بر آسیب مستقیم به دارایی بزه دیدگان، پیامدهای عمیق اجتماعی، اقتصادی و روانی بر اعتماد عمومی، احساس امنیت و سرمایه اجتماعی برجای می گذارد. در نظام کیفری ایران، سرقت در قالب های متنوعی از سرقت حدی تا سرقت های تعزیری و مشدد مورد شناسایی و جرم انگاری قرار گرفته و برای هر یک، شرایط تحقق، عناصر قانونی و مادی و روانی، و نیز ضمانت اجرای متفاوتی پیش بینی شده است. با این حال، پیچیدگی های اثبات، تنوع موقعیت های ارتکاب، تغییر الگوهای بزه کاری در اثر تحولات شهری و فناوری، و همچنین پیوند سرقت با عوامل زمینه ای مانند فقر، بیکاری، اعتیاد، حاشیه نشینی و فرصت های بزه کارانه، موجب شده است که مواجهه کیفری صرف، به تنهایی پاسخ گوی نیازهای پیشگیری و کنترل نباشد. این مقاله با رویکرد تحلیلی و با اتکا بر منابع حقوقی و جرم شناختی، نخست چارچوب مفهومی و حقوقی سرقت در ایران را تبیین می کند، سپس تبعات سوء آن را در جامعه ایران از منظرهای امنیت اجتماعی، هزینه های اقتصادی، آسیب های روانی و فرسایش اعتماد نهادی بررسی می نماید. در ادامه، ضمن مرور ادبیات و نظریه های جرم شناسی مرتبط، روش شناسی پژوهش تشریح شده و نهایتاً پیشنهادهایی برای اصلاح و بهینه سازی سیاست جنایی، تقویت پیشگیری وضعی و اجتماعی، ترمیم بزه دیدگی و کاهش تکرار جرم ارائه می شود. نتیجه کلی آن است کارآمدی سیاست مقابله با سرقت مستلزم تلفیق پاسخ متناسب با برنامه های پیشگیرانه چندسطحی، حمایت از بزه دیدگان، و افزایش ظرفیت های نهادی برای مدیریت ریسک و فرصت های ارتکاب است.

واژگان کلیدی: سرقت، نظام کیفری ایران، سیاست جنایی، پیشگیری، تبعات اجتماعی،

بزه دیدگی، اعتماد عمومی



مقدمه

جرم سرقت در اغلب جوامع، یکی از پر تکرارترین و در عین حال پیچیده‌ترین اشکال بزهکاری علیه اموال محسوب می‌شود. حساسیت این جرم صرفاً به علت زیان مالی نیست، بلکه از آن رو اهمیت دارد که تجربه سرقت، احساس امنیت را در سطح فردی و جمعی تضعیف می‌کند و به تدریج فضای بی‌اعتمادی، اضطراب و گسست اجتماعی را تقویت می‌سازد. در ایران نیز به واسطه تحولات اقتصادی و اجتماعی، گسترش شهرنشینی، تغییر الگوهای سکونت و حمل و نقل، و نیز رشد فناوری‌های نوین، سرقت از شکل‌های سنتی به صورت‌های متنوع‌تری بروز یافته است. هم‌زمان، نظام کیفری ایران در قوانین مختلف، واکنش‌های متفاوتی را نسبت به انواع سرقت پیش‌بینی کرده و میان سرقت حدی و سرقت‌های تعزیری و مشدد تفکیک قائل شده است. با وجود این، پرسش اصلی این است که آیا چارچوب‌های حقوقی و سیاست‌های کیفری موجود، در کنار سازوکارهای اجرایی و قضایی، توان لازم برای کاهش وقوع سرقت و مهار تبعات سوء آن را دارند یا خیر. از یک سو، شدت و قطعیت مجازات‌ها در برخی اقسام سرقت، با هدف بازدارندگی و حمایت از مالکیت تنظیم شده است. از سوی دیگر، تجربه‌های جرم‌شناختی نشان می‌دهد که سرقت غالباً تابع ترکیبی از انگیزه‌ها و فرصت‌هاست و پاسخ موثر نیازمند مجموعه‌ای از راهبردها شامل پیشگیری اجتماعی، پیشگیری وضعی، کنترل بازار اموال مسروقه، حمایت از بزه‌دیدگان و بازپذیری اجتماعی بزه‌کاران است. این پژوهش با هدف «بررسی و تحلیل جرم سرقت در نظام کیفری ایران با نگاهی به تبعات سوء آن در جامعه» تنظیم شده است. تلاش می‌شود ضمن رعایت اصول نگارش مقاله علمی، نخست مسئله و اهمیت آن تبیین گردد، سپس ادبیات و مبانی نظری بررسی شود، روش‌شناسی توضیح داده شود و در نهایت تحلیل حقوقی و اجتماعی ارائه گردد. نوآوری این نوشتار در تلفیق نگاه حقوق کیفری



با رهیافت‌های جرم‌شناختی و تمرکز هم‌زمان بر سازوکارهای قانونی و آثار اجتماعی سرقت است.

بخش اول: کلیات مفهومی و چارچوب حقوقی سرقت در ایران

سرقت در معنای عام، برداشتن مال متعلق به دیگری بدون رضایت اوست. اما در حقوق کیفری، تعریف سرقت صرفاً بر «برداشتن» متوقف نمی‌شود و عناصر دقیق‌تری را دربرمی‌گیرد. سرقت به عنوان جرم علیه اموال، در مرز میان حمایت از مالکیت خصوصی، نظم عمومی و امنیت اقتصادی قرار دارد. از لحاظ مفهومی، سرقت با جرایمی مانند خیانت در امانت، کلاهبرداری و تصرف عدوانی تفاوت دارد. در خیانت در امانت، مال ابتدا به‌طور قانونی در اختیار امین قرار می‌گیرد و سپس بر خلاف امانت‌داری مورد سوءاستفاده واقع می‌شود؛ در کلاهبرداری، توسل به وسایل متقلبانه و فریب بزه‌دیده نقش محوری دارد؛ و در تصرف عدوانی، موضوع بیشتر بر تعرض به حق انتفاع یا تصرف قانونی تکیه دارد. در سرقت، عنصر «ربایش» یا «برداشتن» به عنوان رفتار فیزیکی اصلی مطرح است و معمولاً با فقدان رضایت مالک و قصد تملک یا دست‌کم قصد محروم‌سازی همراه می‌شود.

با این حال، تحول اشکال سرقت، مفهوم کلاسیک را به چالش کشیده است. سرقت‌های مرتبط با فناوری، مانند دسترسی غیرمجاز و برداشت داده‌های دارای ارزش اقتصادی، یا سرقت‌های سازمان‌یافته که از شبکه‌های توزیع و بازارهای غیررسمی بهره می‌گیرند، نشان می‌دهد که «مال» در ذهنیت اجتماعی و حقوقی می‌تواند گستره وسیع‌تری بیابد. هرچند نظام کیفری ایران برای جرایم رایانه‌ای چارچوب‌های خاصی دارد، اما نسبت این جرایم با سرقت به معنای سنتی، نیازمند دقت در تحلیل عناصر است تا از اختلاط مفهومی و خطای تطبیق جلوگیری شود.



۱- جایگاه حمایت از مالکیت در نظام کیفری و مبانی جرم‌انگاری سرقت

جرم‌انگاری سرقت را می‌توان در پیوند با چند مبنا تحلیل کرد. نخست، حمایت از مالکیت به عنوان یکی از حقوق بنیادین افراد، که نقض آن موجب اختلال در نظم اقتصادی و روابط مبادله‌ای می‌شود. دوم، حفاظت از امنیت عمومی، زیرا سرقت در بسیاری از موارد با تهدید، ورود غیرمجاز به حریم خصوصی، تخریب یا درگیری همراه می‌شود و صرفاً یک تعرض مالی ساده نیست. سوم، تضمین عدالت و اعتماد اجتماعی؛ وقتی شهروندان احساس کنند مالکیتشان به آسانی نقض می‌شود و واکنش مؤثری وجود ندارد، سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی تضعیف می‌گردد. در نظام حقوقی ایران، مبانی فقهی و حقوقی نیز در جرم‌انگاری سرقت نقش دارد. در چارچوب فقه اسلامی، سرقت حدی با شرایط خاصی تعریف می‌شود که تحقق آن مستلزم وجود شرایطی مانند حد نصاب، حرز، نبود شبهه و سایر قیود است. همین شرایط نشان می‌دهد که سیاست جنایی اسلامی میان «اصل حمایت از مالکیت» و «احتیاط در اعمال مجازات حدی» جمع کرده است. در مقابل، بخش گسترده‌ای از مصادیق سرقت که شرایط حدی را ندارند، در قلمرو تعزیرات قرار می‌گیرند و قانون‌گذار با توجه به درجه خطر، اوضاع و احوال ارتکاب، و آثار اجتماعی، مجازات‌های متناسب‌تری را پیش‌بینی می‌کند.

۲- گونه‌شناسی سرقت در قوانین کیفری ایران

در قوانین کیفری ایران، سرقت را می‌توان به دو دسته کلان سرقت حدی و سرقت تعزیری تقسیم کرد. سرقت حدی، تابع شرایط خاص و مجازات مقرر شرعی است و اثبات آن نیز سازوکارهای سخت‌گیرانه‌تری دارد. در برابر، سرقت‌های تعزیری دامنه گسترده‌ای از رفتارها را پوشش می‌دهد؛ از سرقت ساده تا سرقت‌های مشدد که با عوامل تشدیدکننده مانند



شب هنگام بودن، تعدد مرتکبان، حمل سلاح، ورود به منزل، شکستن حرز، استفاده از وسیله نقلیه، یا وقوع در شرایط خاص همراه است. راین گونه‌شناسی در عمل اهمیت بسیاری دارد، زیرا تعیین عنوان مجرمانه دقیق، هم بر مرجع رسیدگی و هم بر شیوه اثبات و میزان مجازات اثر می‌گذارد. علاوه بر آن، در برخی پرونده‌ها، رفتار ارتكابی ممکن است در مرز میان عناوین مختلف قرار گیرد و اگر تحلیل عناصر دقیق نباشد، یا حق دفاع متهم مخدوش می‌شود یا حقوق بزه‌دیده به‌درستی تأمین نمی‌گردد. بنابراین، فهم دقیق مرزبندی‌ها، پیش‌نیاز تحلیل کارآمدی نظام کیفری در مقابله با سرقت است.

بخش دوم: مرور ادبیات و مبانی نظری

در ادبیات حقوق کیفری، تمرکز اصلی بر تحلیل عناصر جرم، شرایط تحقق و موانع مسئولیت کیفری است. در این رویکرد، سرقت به‌عنوان یک عنوان مجرمانه، با سه عنصر اساسی بررسی می‌شود. عنصر قانونی که ناظر به وجود نص جزایی و محدوده جرم‌انگاری است. عنصر مادی که رفتار ربایش، موضوع جرم، شرایط و اوضاع و احوال ارتكاب را دربرمی‌گیرد. عنصر روانی که شامل سوءنیت عام و در مواردی سوءنیت خاص، مانند قصد تملک یا قصد محروم‌سازی است. مزیت رویکرد حقوقی آن است که مرزهای دقیق، ضمانت اجرای عادلانه و پیش‌بینی‌پذیری را تأمین می‌کند. اما محدودیت آن در این است که به‌تنهایی، چرایی وقوع سرقت و راهبردهای پیشگیری را توضیح نمی‌دهد و بیشتر معطوف به واکنش پسینی است. در برخی مطالعات حقوقی، به رابطه سرقت با مفاهیمی چون «حرز»، «مالکیت»، «ید» و «حق» پرداخته می‌شود و تلاش می‌گردد تطبیق میان مبانی فقهی و مقتضیات جامعه مدرن روشن شود. همچنین، بحث‌های مربوط به «اثبات» و «ادله»، به‌ویژه در سرقت حدی، بخش مهمی از ادبیات



را تشکیل می‌دهد، زیرا سخت‌گیری در شرایط اثبات، از یک سو مانع اجرای ناعادلانه مجازات‌های سنگین می‌شود و از سوی دیگر، ممکن است در مقام عمل، به انتقال گسترده پرونده‌ها به قلمرو تعزیرات بینجامد.

در جرم‌شناسی، چند نظریه برای فهم سرقت اهمیت ویژه دارد. نظریه فشار یا ناکامی اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کند که شکاف میان اهداف اجتماعی پذیرفته‌شده و دسترسی نابرابر به ابزارهای مشروع دستیابی به آن اهداف، می‌تواند افراد را به رفتارهای انحرافی از جمله سرقت سوق دهد. در شرایطی که فرصت‌های اشتغال و ارتقای اجتماعی محدود باشد و هنجارهای مصرف‌گرایانه تقویت شود، برخی افراد سرقت را به‌عنوان راهی جایگزین برای دستیابی سریع به منابع مالی انتخاب می‌کنند. نظریه انتخاب عقلانی و رویکرد فرصت نیز سرقت را رفتاری می‌داند که در آن مرتکب، به‌طور نسبی هزینه‌ها و منافع را می‌سنجد. در این نگاه، کاهش فرصت‌های سرقت از طریق بهبود روشنایی معابر، افزایش مراقبت طبیعی، قفل‌ها و فناوری‌های ضدسرقت، کنترل بازار اموال مسروقه و افزایش احتمال کشف، می‌تواند اثر قابل توجهی بر کاهش وقوع داشته باشد. نظریه فعالیت روزمره نیز با سه‌گانه «بزهکار انگیزه‌مند»، «هدف مناسب» و «فقدان نگهبان توانمند»، توضیح می‌دهد که چگونه تغییر سبک زندگی شهری، افزایش جابه‌جایی، و رهاشدن اموال قابل حمل در فضاهای عمومی، فرصت‌های سرقت را افزایش می‌دهد. همچنین نظریه یادگیری اجتماعی در تبیین سرقت‌های گروهی یا سازمان‌یافته اهمیت دارد. در برخی بافت‌ها، سرقت در شبکه‌های دوستانه یا محلی آموخته می‌شود، تکنیک‌ها انتقال می‌یابد و توجیه‌های اخلاقی شکل می‌گیرد. از این منظر، مداخلات بازپرورانه و برنامه‌های اجتماعی برای قطع پیوندهای بزهکارانه، در کنار پاسخ کیفری، ضرورت می‌یابد.



بخش سوم: تحلیل حقوقی جرم سرقت در نظام کیفری ایران

عنصر قانونی سرقت در ایران بر پایه قوانین کیفری و مقررات مرتبط شکل گرفته است. قانون‌گذار برای حمایت از مالکیت و امنیت عمومی، سرقت را در قالب‌های مختلف تعریف و ضمانت‌اجراهای متنوعی مقرر کرده است. یکی از ویژگی‌های نظام تقنینی ایران، دوگانه حد و تعزیر در جرم سرقت است. سرقت حدی، تابع شرایط سخت‌گیرانه‌ای است و اجرای آن نیازمند احراز دقیق شرایط شرعی و قانونی است. در مقابل، سرقت‌های تعزیری گستره وسیعی از رفتارهای ناقض مالکیت را پوشش می‌دهند و قانون‌گذار با توجه به اوضاع و احوال، مجازات‌های درجه‌بندی‌شده را به کار می‌گیرد. این ساختار، از حیث نظری می‌تواند تعادلی میان «حمایت حداکثری از مالکیت» و «احتیاط در اعمال مجازات‌های شدید» برقرار کند. اما در عمل، پیچیدگی در تشخیص عنوان دقیق و همچنین تنوع مصادیق، گاه موجب اختلاف نظر در تفسیر می‌شود. به همین دلیل، توجه به اصول تفسیر مضیق قوانین کیفری، رعایت حق دفاع و پرهیز از توسعه قلمرو جرم‌انگاری، برای تضمین دادرسی عادلانه ضروری است.

۱- عنصر مادی و مساله ربایش، موضوع جرم و شرایط تحقق

عنصر مادی سرقت با رفتار ربایش تحقق می‌یابد؛ رفتاری که معمولاً به معنای خارج کردن مال از ید مالک یا متصرف قانونی و قرار دادن آن در اختیار مرتکب است. در تحلیل عنصر مادی، چند نکته اهمیت دارد. نخست، موضوع جرم باید «مال» باشد؛ اما تعریف مال می‌تواند در حوزه‌های جدید، مانند اموال غیرمادی یا داده‌های دارای ارزش اقتصادی، محل بحث قرار گیرد. دوم، ربایش باید بدون رضایت مالک یا متصرف قانونی انجام شود. سوم، در برخی اقسام سرقت، شرایط خاصی مانند حرز، شکستن حرز، یا ورود به مکان معین، نقش



تشدید کننده یا تعیین کننده نوع جرم دارد. همچنین، تعدد مرتکبان، استفاده از سلاح، وقوع در شب یا در شرایط خاص، از جمله عواملی است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله ایران، به عنوان عوامل مشدد در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا این عوامل معمولاً سطح خطر برای بزه‌دیده و جامعه را افزایش می‌دهد و احتمال درگیری، آسیب جسمانی یا تهدید امنیت عمومی را بیشتر می‌کند. نکته مهم آن است که تشدید مجازات باید بر مبنای تحلیل دقیق خطر و آسیب باشد، نه صرفاً واکنش احساسی به جرم؛ زیرا تشدید بی‌قاعده می‌تواند موجب ازدحام کیفری و کاهش امکان اصلاح و بازاجتماعی‌سازی گردد.

۲- عنصر روانی و نقش قصد در سرقت

عنصر روانی در سرقت معمولاً شامل علم به تعلق مال به غیر و اراده بر ربایش آن است. در بسیاری از پرونده‌ها، اثبات سوءنیت از طریق قرائن و امارات صورت می‌گیرد و گاهی مرز میان «اشتباه موضوعی» و «قصد مجرمانه» محل اختلاف می‌شود. برای مثال، در برخی موارد ادعای مالکیت یا تصور مجاز بودن برداشت، می‌تواند به عنوان دفاع مطرح شود و دادگاه باید با دقت، نسبت میان ادعا و شواهد را بسنجد. افزون بر سوءنیت عام، در برخی تحلیل‌ها، قصد تملک یا قصد محروم‌سازی نیز اهمیت می‌یابد. به ویژه در سرقت‌هایی که مال برای مدت کوتاه برداشته شده یا هدف استفاده موقت بوده است، بحث درباره کیفیت قصد مطرح می‌شود. هرچند اصل بر این است که «ربایش بدون رضایت» اماره‌ای قوی بر قصد مجرمانه است، اما نظام عدالت کیفری باید امکان بررسی دقیق انگیزه و قصد را فراهم کند تا از صدور احکام ناعادلانه جلوگیری شود و تناسب جرم و مجازات رعایت گردد.



۳- چالش‌های اثبات و دادرسی در پرونده‌های سرقت

پرونده‌های سرقت از منظر دادرسی با چالش‌هایی مانند فقدان شاهد مستقیم، دشواری ردیابی اموال مسروقه، و اتکای گسترده به ادله الکترونیکی یا قرائن مواجه‌اند. در سرقت حدی، سخت‌گیری در ادله و شرایط اثبات، از یک سو تضمینی برای پیشگیری از اجرای نادرست مجازات‌های شدید است و از سوی دیگر، باعث می‌شود بسیاری از پرونده‌ها به حوزه تعزیرات منتقل شوند. در سرقت‌های تعزیری نیز مسائلی مانند اعتبار اقرار، کیفیت مواجهه حضوری، ارزیابی فیلم‌های دوربین، ردیابی تلفن همراه یا داده‌های مکانی، و رعایت حقوق متهم در مراحل تحقیقات مقدماتی اهمیت دارد. یکی از نقاط حساس، تعامل میان کارآمدی کشف جرم و رعایت حقوق شهروندی است. اگر نظام کشف و تعقیب، به بهانه مقابله با سرقت، به نقض حریم خصوصی یا رفتارهای خارج از ضابطه روی آورد، در بلندمدت اعتماد عمومی به نهادهای عدالت کیفری آسیب می‌بیند و همین بی‌اعتمادی می‌تواند همکاری اجتماعی در کشف جرم را کاهش دهد. بنابراین، افزایش توان فنی و آموزشی ضابطان، استانداردسازی جمع‌آوری ادله، و نظارت مؤثر قضایی بر تحقیقات، در کنار حمایت از بزه‌دیدگان، از ضرورت‌های سیاست جنایی محسوب می‌شود.

بخش چهارم: تبعات سوء جرم سرقت در جامعه و تحلیل اجتماعی آن

سرقت، حتی در ساده‌ترین شکل خود، می‌تواند حس امنیت را در بزه‌دیده و اطرافیان متزلزل کند. تجربه ورود غیرمجاز به منزل یا محل کار، اغلب همراه با احساس نقض حریم خصوصی است؛ گویی مرزهای امن زندگی روزمره شکسته شده است. این تجربه در بسیاری از بزه‌دیدگان، به اضطراب، خشم، بی‌اعتمادی و در مواردی به نشانه‌های شبه‌تروما منجر می‌شود.



پیامدهای روانی وقتی تشدید می‌شود که سرقت تکرار شود یا بزه‌دیده احساس کند نظام عدالت کیفری قادر به حمایت مؤثر از او نیست. در سطح محلی، افزایش سرقت می‌تواند به شکل‌گیری تصویر ذهنی از محله به عنوان «محیط ناامن» بینجامد. نتیجه آن ممکن است کاهش حضور مردم در فضاهای عمومی، کم‌شدن تعاملات همسایگی، و افزایش رفتارهای تدافعی مانند نصب موانع و قفل‌های متعدد باشد. این تغییرات اگرچه گاهی اثر پیشگیرانه محدود دارد، اما در عین حال می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل منجر شود. جامعه‌ای که افراد در آن کمتر با هم ارتباط برقرار می‌کنند و کمتر مراقبت جمعی دارند، از منظر فرصت‌های سرقت نیز آسیب‌پذیرتر می‌شود و چرخه‌ای معیوب شکل می‌گیرد.

۱- هزینه‌های اقتصادی و اثر بر توسعه محلی

سرقت هزینه‌های اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم فراوانی ایجاد می‌کند. هزینه مستقیم، از دست دادن مال و هزینه جایگزینی است. اما هزینه‌های غیرمستقیم گاه سنگین‌تر است: افزایش هزینه‌های امنیتی برای خانوار و کسب و کار، کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در مناطق پرخطر، کاهش رونق کسب و کارهای خرد، و افزایش هزینه‌های عمومی برای پلیس، دادگاه‌ها و زندان‌ها. وقتی کسب و کارها ناچار شوند بخشی از منابع خود را به امنیت فیزیکی اختصاص دهند، سرمایه‌گذاری در نوآوری و توسعه کاهش می‌یابد و در نتیجه رشد اقتصادی محلی آسیب می‌بیند. اثر اقتصادی سرقت همچنین از مسیر «بازار اموال مسروقه» تشدید می‌شود. تا زمانی که امکان فروش سریع اموال مسروقه وجود داشته باشد، انگیزه اقتصادی سرقت تقویت می‌گردد. بنابراین، مقابله با سرقت تنها به دستگیری سارقان محدود نیست و نیازمند کنترل زنجیره توزیع، نظارت بر خرید و فروش کالاهای دست‌دوم، شفافیت در معاملات و افزایش



ریسک برای خریداران غیرقانونی است. اگر این حلقه کنترل نشود، حتی با افزایش مجازات‌ها نیز نرخ سرقت می‌تواند پایدار بماند.

۲- پیامدهای فرهنگی و اخلاقی و مساله عادی‌سازی

یکی از تبعات نگران‌کننده سرقت، امکان عادی‌سازی آن در برخی فضاهای اجتماعی است. وقتی افراد به شکل مکرر با اخبار سرقت مواجه می‌شوند و احساس می‌کنند وقوع آن بخشی از زندگی عادی است، حساسیت اخلاقی و هنجاری کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، برخی توجیه‌ها رواج پیدا می‌کند؛ مانند نسبت دادن سرقت به «ضرورت اقتصادی» به صورت مطلق، یا تقلیل آن به «زیرکی» و «زرنگی». این توجیه‌ها می‌تواند مرزهای اخلاقی را جابه‌جا کند و زمینه پذیرش اجتماعی رفتارهای انحرافی را افزایش دهد. عادی‌سازی همچنین می‌تواند به واکنش‌های افراطی و خودیارانه بینجامد. در برخی موارد، افراد به جای اعتماد به پلیس و دادگاه، به شیوه‌های غیررسمی یا خشونت‌آمیز برای مقابله با سارقان متوسل می‌شوند. این وضعیت، خطر بی‌نظمی و تعارض اجتماعی را افزایش می‌دهد و می‌تواند به نقض حقوق متهمان و وقوع خشونت‌های نابجا منجر شود. بنابراین، حفظ تعادل میان اقتدار قانونی و اعتماد عمومی، نقشی کلیدی در مدیریت تبعات فرهنگی سرقت دارد.

۳- چرخه تکرار جرم و عوامل ساختاری

سرقت در بسیاری از موارد با تکرار همراه است، به‌ویژه زمانی که عوامل ساختاری مانند اعتیاد، بیکاری، بی‌خانمانی یا فقدان مهارت‌های شغلی وجود داشته باشد. اگر نظام عدالت کیفری تنها بر مجازات تمرکز کند و پس از اجرای حکم، برنامه‌های بازپروری، درمان و بازپذیری



اجتماعی کافی فراهم نشود، احتمال بازگشت فرد به چرخه سرقت افزایش می‌یابد. این مسئله نه تنها به دلیل انگیزه مالی، بلکه به دلیل شبکه‌های اجتماعی بزهکارانه و انگ اجتماعی پس از محکومیت نیز رخ می‌دهد. از منظر سیاست‌گذاری، کاهش تکرار سرقت نیازمند رویکرد «مدیریت ریسک» است. این رویکرد تلاش می‌کند عوامل خطر در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی را شناسایی و مداخله هدفمند انجام دهد. برای نمونه، درمان اعتیاد، آموزش مهارت‌های شغلی، حمایت از خانواده‌های در معرض آسیب، و برنامه‌های مراقبت پس از خروج از زندان، می‌تواند در کاهش نرخ تکرار اثرگذار باشد. در غیاب چنین برنامه‌هایی، مجازات به جای اصلاح، گاه کارکرد مدرسه جرم را پیدا می‌کند و پیوندهای بزهکارانه را تقویت می‌نماید.

بخش پنجم: راهبردهای پیشنهادی برای کاهش سرقت و تبعات آن

سیاست کیفری مؤثر در برابر سرقت باید بر اصل تناسب استوار باشد. تناسب به معنای آن است که مجازات و واکنش کیفری، نه بیش از حد سخت گیرانه باشد که به بی‌عدالتی و تراکم زندان‌ها بینجامد، و نه آن‌قدر سبک که پیام بی‌اعتنایی به حقوق بزه‌دیده ارسال کند. در سرقت‌های خرد، استفاده از جایگزین‌های حبس، رویکردهای ترمیمی و الزام به جبران خسارت می‌تواند هم برای بزه‌دیده مفیدتر باشد و هم از ورود غیرضروری افراد به چرخه زندان جلوگیری کند. در مقابل، در سرقت‌های سازمان‌یافته یا خشونت‌آمیز، تمرکز بر قطع شبکه‌ها، مصادره عواید، و برخورد هدفمند با بازار اموال مسروقه، اهمیت بیشتری دارد. پیشگیری وضعی بر کاهش فرصت‌های ارتکاب تمرکز دارد. این رویکرد شامل اقداماتی مانند بهبود روشنایی معابر، افزایش نظارت طبیعی در طراحی شهری، نصب دوربین‌های استاندارد با رعایت



ضوابط، ارتقای امنیت ساختمان‌ها، استانداردسازی قفل‌ها و تجهیزات ضدسرقت، و مدیریت مکان‌های جرم‌خیز است. کارآمدی این اقدامات زمانی بیشتر می‌شود که مبتنی بر تحلیل محلی و داده‌های دقیق باشد و صرفاً به اقدامات کلیشه‌ای محدود نگردد.

در کنار آن، کنترل بازار اموال مسروقه نقشی اساسی دارد. بسیاری از سرقت‌ها زمانی سودآور است که مال به سرعت فروخته شود. ایجاد سازوکارهای شفاف برای خرید و فروش کالاهای دست‌دوم، الزام به ثبت هویت خریدار و فروشنده در معاملات حساس، نظارت هدفمند بر مراکز پرریسک، و افزایش ریسک برای واسطه‌ها، می‌تواند جذابیت اقتصادی سرقت را کاهش دهد. پیشگیری اجتماعی به ریشه‌های بزهکاری می‌پردازد. بهبود شرایط اشتغال، آموزش مهارت‌های زندگی و شغلی، کاهش ترک تحصیل، حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر، و دسترسی به خدمات درمان اعتیاد و سلامت روان، از جمله اقداماتی است که می‌تواند انگیزه‌های اقتصادی یا روانی سرقت را کاهش دهد. این مداخلات اگرچه زمان‌بر است، اما اثرات پایدارتر دارد و از بازتولید بزهکاری جلوگیری می‌کند. در این میان، نقش نهادهای محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مشارکت اجتماعی مهم است. برنامه‌های محله‌محور که بر تقویت همبستگی اجتماعی، مراقبت جمعی و حل مسئله محلی تمرکز دارند، می‌تواند هم ترس از جرم را کاهش دهد و هم از فرصت‌های سرقت بکاهد. البته این مشارکت باید در چارچوب قانون و با هدایت نهادهای مسئول باشد تا به خودیاری خشونت‌آمیز تبدیل نشود.

حمایت از بزه‌دیدگان سرقت، تنها به بازگرداندن مال یا صدور حکم محکومیت محدود نیست. بزه‌دیدگان ممکن است نیازمند حمایت روانی، راهنمایی حقوقی و تسهیل فرایند جبران خسارت باشند. تقویت نهادهای حمایتی، تسریع در رسیدگی، کاهش بوروکراسی



بازپس‌گیری اموال، و ارتقای ارتباطات پلیس و جامعه، می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد. همچنین رویکرد عدالت ترمیمی در برخی پرونده‌ها، با محوریت جبران خسارت و پذیرش مسئولیت از سوی مرتکب، می‌تواند به کاهش کینه اجتماعی و افزایش رضایت بزه‌دیدگان کمک کند.

نتیجه‌گیری

جرم سرقت در نظام کیفری ایران، هم از نظر تقنینی و هم از نظر اجتماعی، مسئله‌ای چندبعدی است. ساختار قانونی با تفکیک میان سرقت حدی و تعزیری، تلاش کرده است هم به مبانی شرعی و هم به مقتضیات سیاست کیفری پاسخ دهد. با این حال، تنوع شکل‌های سرقت، چالش‌های اثبات، و تحول فرصت‌های بزهکارانه در جامعه شهری و فناوریانه، نشان می‌دهد که مقابله با سرقت صرفاً با واکنش کیفری پسینی کافی نیست. تبعات سوء سرقت در جامعه از سطح زیان مالی فراتر می‌رود و بر امنیت روانی، اعتماد اجتماعی، هزینه‌های اقتصادی و فرهنگ عمومی اثر می‌گذارد. بنابراین، سیاست جنایی مطلوب باید تلفیقی باشد: پاسخ کیفری متناسب و عادلانه، پیشگیری وضعی برای کاهش فرصت‌ها، پیشگیری اجتماعی برای کاهش عوامل زمینه‌ساز، کنترل بازار اموال مسروقه، حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان، و برنامه‌های بازپذیری اجتماعی برای کاهش تکرار جرم. در نهایت، کارآمدی نظام مقابله با سرقت، وابسته به هماهنگی نهادی، داده‌محوری، و حفظ تعادل میان امنیت و حقوق شهروندی است؛ تعادلی که اگر به‌درستی برقرار شود، هم از مالکیت و نظم عمومی حمایت می‌کند و هم از فرسایش سرمایه اجتماعی جلوگیری خواهد کرد.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. آشوری، محمد. حقوق جزای عمومی جلد اول. تهران، سمت، ۱۳۹۶.
۲. آشوری، محمد. حقوق جزای عمومی جلد دوم. تهران، سمت، ۱۳۹۷.
۳. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی جلد اول. تهران، میزان، ۱۳۹۵.
۴. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی جلد دوم. تهران، میزان، ۱۳۹۶.
۵. باقری، علیرضا. بزه‌دیده‌شناسی و سیاست‌های حمایت از بزه‌دیدگان. تهران، میزان، ۱۳۹۴.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲.
۷. خالقی، علی. آیین دادرسی کیفری جلد اول. تهران، شهر دانش، ۱۳۹۹.
۸. خالقی، علی. آیین دادرسی کیفری جلد دوم. تهران، شهر دانش، ۱۴۰۰.
۹. قانون آیین دادرسی کیفری. مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۱۰. قانون مجازات اسلامی. مصوب ۱۳۹۲.
۱۱. میرمحمدصادقی، حسین. جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران، میزان، ۱۳۹۸.
۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. درآمدی بر جرم‌شناسی. تهران، میزان، ۱۳۹۳.
۱۳. نوربها، رضا. حقوق جزای اختصاصی جلد دوم جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران، دادگستر، ۱۳۹۷.
۱۴. ولیدی، محمدصالح. حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران، مجد، ۱۳۹۶.



ب) منابع انگلیسی

۱. Clarke, Ronald V. *Situational Crime Prevention Successful Case Studies*. Albany, Harrow and Heston, ۱۹۹۷.
۲. Cornish, Derek B., and Ronald V. Clarke. *The Reasoning Criminal Rational Choice Perspectives on Offending*. New York, Springer, ۱۹۸۶.
۳. Farrington, David P. "Developmental and Life-Course Criminology." In *The Oxford Handbook of Criminology*, edited by Mike Maguire, Rod Morgan, and Robert Reiner. Oxford, Oxford University Press, ۲۰۱۲.
۴. Gottfredson, Michael R., and Travis Hirschi. *A General Theory of Crime*. Stanford, Stanford University Press, ۱۹۹۰.
۵. Merton, Robert K. *Social Theory and Social Structure*. New York, Free Press, ۱۹۶۸.
۶. Sherman, Lawrence W., Patrick R. Gartin, and Michael E. Buerger. "Hot Spots of Predatory Crime Routine Activities and the Criminology of Place." *Criminology*, Vol. ۲۷, No. ۱, ۱۹۸۹, pp. ۲۷-۵۶.
۷. Sutherland, Edwin H., and Donald R. Cressey. *Criminology*. Philadelphia, Lippincott, ۱۹۷۸.
۸. Tyler, Tom R. *Why People Obey the Law*. Princeton, Princeton University Press, ۲۰۰۶.
۹. Walklate, Sandra. *Victimology The Victim and the Criminal Justice Process*. London, Routledge, ۲۰۰۷.